

تمرین خوب خواستن

نویسنده: فاطمه اعتمادی

بهره ای اندک از مناجات شعبانیه

رهروان فضیلت، تمرین خوب خواستن و خوب زیستن را در ماه های دعا و عبادت، یعنی ماه رجب و شعبان به انجام می رسانند و روش خوب خواستن را می آزمایند. آنان بلندهمتی را که شایسته مؤمنان است و آن را از معصومین((ع)) آموخته اند، از نظر دور نمی دارند؛ در طلب خوبی های دنیا و آخرت در این ماه ها بر می آیند و در طلب داشتن فرزندان صالح، دوستان با ایمان، معلمان شایسته، رزق حلال و....

((وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ [1])) «و هرگاه که بندگان من از تو درباره من می پرسند، پس بدانند که من به آنان نزدیک هستم، و دعای آن که مرا می خواند، مستجاب می کنم.»

در این صحرای سوزان غفلت ها و لغزش ها، در میان این همه نگرانی ها و دغدغه ها، و در این سوزِ عطش ناک برخاسته از حرمان آب حیات، نیایش و نجوا با موجودی لطیف و دل آرام و دلربا، چه آرام بخش و روح افزا خواهد بود.

به صفای دل رندان صبحی زدگان چه گره ها که به مفتاح دعا بگشایند

متون دعاها ی اسلامی، از زیباترین متون ادبی و هنری، و نمونه بهترین به کارگیری فصاحت و بلاغت در بیان است و این نشان می دهد که اسلام، به زیبایی و به ارزش هنر، اهمیت می دهد. هم چنین این متون، دارای یک نوع موسیقی و آهنگ نیز می باشد که تأثیر این آهنگ و تأثیر زیبایی های کلام، در روح انسان چنان است که به روح، برای در پناه عشق آمدن و در مقابل خداوند، حضور یافتن و تأثیر پذیرفتن بیشتر در برابر دعا کمک می کند [2].

ادعیه اسلامی ما از محتوایی والا و مضمونی عمیق نیز بهره می برند؛ چنان که امام خمینی(ره) در این زمینه می گوید: «ادعیه ائمه هدی دعاها ی آن ها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعاها ی آن ها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می کند و همه مطالب را دارد، منتها بسیاری در رمز است که ما نمی توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه((ع)) که وضع دیگری دارد [3]...»

«مناجات شعبانیه»، از ادعیه ای است که دارای جایگاه و منزلتی بسیار والا و ممتاز است، به طوری که برای درک بعضی از مضامین آن راهی نیست، مگر آنکه آدمی، خود به آن عوالم راه پیدا کند و آن حقایق را از جان و شهود حس نماید.

صلوات بر محمد و آل محمد(ص)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي؛ پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و دعایم را بشنو و وقتی صدایت کردم، صدایم را بشنو، و آن گاه که با تو نجوا نمودم، به من رو کن. پس همانا که من، از دیگران به سوی تو گریختم، و در پیشگاه تو قرار گرفتم، در حالی که درمانده تو هستم و به سوی تو در حال تضرع و زاری هستم، و به آن چه نزد تو از ثواب می باشد، امیدوار می باشم.»

شروع دعا با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد(ص) سه پیام برای دعاکننده دارد:

۱. هیچ گاه ولی نعمتان جهان هستی را از یاد نبریم؛ زیرا تمام خیر در عالم هستی به یمن وجود آن هاست؛ چنان چه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصْلُهُ وَ قَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ؛ هر جا که نامی از خیر و نیکویی باشد، شما اول خیر و ریشه آن و فرع آن و معدن آن و مبدأ و منتهای آن هستید.»
مناجات شعبانیه نیز یکی از خیرات بزرگ جهان هستی است که به برکت این خاندان پاک به دست ما رسیده است.

۲. آن نورهای مقدس را بین خود و خدای خود و برای اجابت دعاهایمان واسطه و شفیع قرار دهیم. یکی از تبرکات وجودی اهل بیت(ع)، واسطه شدن و وسیله بودن آن ها برای وصول و ره یابی آدمیان به بارگاه کبریایی حضرت حق تعالی است؛ چنان چه در قرآن آمده است: ((وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)) [4]؛ «و به او [با وسیله و توسل به سوی خداوند] تقرب جوید.»

بنابراین استمداد از مقامی بزرگ - به خصوص مقام بزرگی چون معصوم(ع) - برای نیل به آرزوها، از نظر عقل نیز، امری پذیرفته شده است.

رهی نمی روم و چاره ای نمی دانم به جز محبت مردان مستقیم احوال

مرا به صحبت نیکان امید بسیار است که مایه داران رحمت کنند بر بطلال

بود که صدرنشینان بارگاه قبول نظر کنند به بیچارگان صفّ نعال

۳. ذکر نام محمد(ص) و خاندان او در اول دعا به معنای ابراز احساسات در برابر بزرگ ترین و زیباترین شاهکارهای جهان هستی است که با کلک قدرت خداوندی بر صفحه گیتی ترسیم شده است.

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

۴. صلوات بر اهل بیت ((ع)) قبل از هر چیز، برای گوینده آن فایده دارد؛ همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِيَخْلُقَنَا وَ طَهَارَةً لَانْفُسِنَا وَ تَرْكِيَةً لَنَا؛ وَ خداوند، قرار داد، صلوات بر شما و ولایت شما را، سببی برای پاکیزه شدن خلقت ما و طهارت جان های ما و تزکیه ما.»

۵. صلوات بر محمد (ص) و آل او، سبب استجابت دعا می شود؛ چنان چه از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ؛ هر که به درگاه خدای عزوجل حاجتی دارد، باید به صلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و دعا را نیز به صلوات بر محمد و آل محمد ختم نماید؛ زیرا خدای عزوجل کریم تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد، ولی وسط دعا را وا گذارد و به اجابت نرساند؛ زیرا صلوات بر محمد و آل محمد، محبوب نیست و از طرف خداوند، پذیرفته می شود [5].»

بنابراین در تمامی این پیام های پنج گانه ای که برای حکمت صلوات پیش از دعا ذکر شد، یک حقیقت مشترک نهفته است و آن استمداد از اهل بیت ((ع)) برای وصول به حاجت ها و آرزوهاست [6].

مدد از خاطر رندان طلب ای دل ور نه کار صعب است مبدا که خطایی بکنیم

سایه طایر کم حوصله کاری نکند طلب از سایه میمون همایی بکنیم

امید به خدا

«رَاجِئًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي»

امید به خداوند، از کلیدهای گشودن در رحمت و اجابت اوست؛ چنان چه در دعای ابوحمزه ثمالی چنین آمده است: «وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِبَابَةٍ؛ وَ مِنْ مِي دَانِمُ كِه دَعَايِ آنَان رَا كِه بِه تُو اَمِي د دَارِنْد، مُسْتَجَاب مِي فَرْمَايِي.»

هم چنین سالار شهیدان، امام حسین (ع) در دعای شریف عرفه، در مقام امیدواری به محبوب خویش، این گونه مناجات می کند: «كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَقَدَتْ إِلَيْكَ؛ چگونه ناامیدم می فرمایی، در حالی که به تو امیدوار شدم.»

نومید مشو جانا کاومید پدید آمد امید همه جان ها از غیب رسید آمد

نومید مشو گرچه مریم بشد از دست کان نور که عیسی را بر چرخ کشید آمد

نومید مشو ای جان در ظلمت این زندان کان شاه که یوسف را از حبس خرید آمد

ای شب به سحر برده در یا رب و یا رب تو آن یا رب و یا رب را رحمت بشنید آمد

خداوند، صاحب روزی

«إِلَهِیْ إِنْ حَرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِیْ یَرْزُقُنِیْ؟ وَإِنْ خَذَلْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِیْ یَنْصُرُنِیْ؟ إِلَهِیْ أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِکَ وَ حُلُولِ سَخَطِکَ؛ معبود من! اگر تو محرومم کنی، کیست که روزیم دهد؟ و اگر تو خوارم نمایی چه کسی یاریم خواهد کرد؟ معبود من! از غضب تو و فرود آمدن خشم تو به تو پناه می برم.»

رزق به دو گونه است: رزق مادی و رزق معنوی. رزق مادی همانند: آب، خاک، غذا، لباس، خانه، بهره داشتن از زیبایی ظاهر و همانند آن ها و رزق معنوی همانند: علم، تقوی، عرفان، آبرو، عزت در میان اجتماع و همانند آن هاست. در این فراز از مناجات نیز که در واقع جلوه ای از توحید ناب، متجلی شده است، تمامی رزق ها، به حق تعالی منتسب شده و اینکه روزی تنها به دست اوست، تا آن جا که اگر او بنده را از روزی محروم سازد، هرگز کسی دیگر نمی تواند به او روزی برساند.

قرآن کریم به این امر این گونه اشاره کرده است: ((قُلْ مَنْ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ یَمْلِکَ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمِیْتِ وَ یُخْرِجُ الْمِیْتِ مِنَ الْحَیِّ وَ مَنْ یُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَیَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ)) [7]؛ «بگو! چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد، چه کسی است که به شما چشم و گوش عطا می کند، چه کسی، از مرده زنده و از زنده مرده بر می انگیزد و چه کسی تدبیر امور را به عهده دارد، خواهند گفت: خداوند. پس بگو: چرا تقوی پیشه نمی کنید.»

در جای دیگری نیز می فرماید: ((إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّینُ))؛ «همانا روزی دهنده، تنها خداست که صاحب قدرت و اقتدار ابدی است [8].»

چنان پهن خوان کرم گسترَد که سیمرغ در قاف قسمت خورد

مهیا کن روزی مور و مار اگر چند بی دست و پایند و زار

اگرچه مراد از رزق در آیات فوق، می تواند شامل رزق مادی و معنوی باشد - که فقط به دست خداوند است - اما با توجه به دو آیه دیگر، می توان به دو نوع از رزق معنوی نیز اشاره کرد که آن ها نیز، تنها در اختیار خداوند بزرگ بوده و پروردگار، آن ها را نیز از ناحیه خود می داند. در آیه اول، حق تعالی، نعمت و روزی معنوی بزرگ تزکیه نفس را که نصیب بنده ای می شود، از عنایات خود در حق بنده دانسته و می فرماید: ((وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكٰی مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَکِنَّ اللَّهَ یَزِکِی مَنْ یَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ))؛ «و اگر فضل و رحمت

و عنایت خداوند، نصیب شما نمی شد، احدی از شما به تزکیه نفس و آراسته شدن به تقوی موفق نمی شدید، ولی این خداست که هر که را خواهد مُهذَّب می سازد، و خداوند شنوا و داناست [9].»

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

در آیه دیگر نیز رزق علمی را که از روزی های معنوی است، این گونه به خود منتسب می داند: ((عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)) [10]؛ «خداوند، عالم نمود انسان را آن چه را که نمی دانست». هم چنین در آیه دیگر خطاب به پیامبرش، محمد(ص) می فرماید: ((وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ)) [11]؛ «و خداوند، آن چه را که نمی دانستی به تو تعلیم داد.»

بنابراین تمامی رزق و روزی - چه مادی و چه معنوی - به دست پروردگار و به اذن اوست، و اگر او کسی را از این رزق محروم کند، روزی دهنده دیگری وجود ندارد [12].

اقرار به تقصیر و کوتاهی نزد خدا

«الْهَىٰ إِنَّ عَفْوَتَ فَمَنْ أَوَّلَىٰ مِنْكَ بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي؛ معبود من! اگر از من درگذری چه کسی از تو شایسته تر به گذشت می باشد و اگر عمرم به سر رسیده باشد و هنوز عملم موجب قُرب به تو نشده باشد؛ اقرار به گناهام را نزد تو وسیله و دستاویز قُرب به سمت تو قرار می دهم.»

تقاضای عفو از خداوند «عَفُو»، در جای جای ادعیه اهل بیت((ع)) مشهود است و از جمله درخواست هایی است که به فراوانی تکرار شده است؛ تا آن جا که از آداب قنوت وتر در نماز شب، آن است که آدمی ذکر «أَلْعَفُو» را سیصد بار تکرار کند. بنابراین تا پهنه جان آدمی به آب حیات «عفو» شست و شو نشود، صفای قدم یار، در آن پهنه پدیدار نخواهد شد و تا آینه دل از غبار معاصی و کدورت ها صیقل نیابد، جمال یار در آن تابان نخواهد گشت.

آینه شو جمال پری طلعتان طلب جاروب کن خانه را و سپس میهمان طلب

این فراز از دعا حاوی دو نکته است:

الف) اقرار به گناهان از طرف بنده - البته نزد معبود خویش - از خصال پسندیده و نیکوست؛ زیرا هیچ بنده ای، هر چه هم اهتمام ورزد، نمی تواند حق پروردگارش را آن گونه که سزاوار اوست، ادا نماید؛ تا آن جا که نبی اکرم(ص) این گونه به پیشگاه خدای خویش عرضه می دارد: «أَنَا لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَىٰ نَفْسِكَ؛ من از عهده ثنا و ستایش تو برنخواهم آمد. تو همان گونه ای که خود، ثنایت نمودی [13].»

از این رو و به حکم عقل و وجدان، اعتراف به تقصیر و اقرار به معاصی، در محضر خداوند، امری مطلوب است که نفس این عمل، گامی مهم در تثبیت بندگی بنده، در پیشگاه معبودش است. در مناجات ابوحمره ثمالی نیز می خوانیم: «إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُقَرَّبَنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْاعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ؛ خدایا! اگر اجلم نزدیک شده باشی ولی عمل من موجب قُرب تو نشده باشد، پس من اعتراف به تقصیر را وسیله قُرب به تو قرار می دهم.»

هم چنین در روایتی نیز از امام موسی بن جعفر (ع) آمده است که به فرزندش فرمود: «يَا بَنِي! عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَطَاعَتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ؛ ای فرزندم، همواره کوشش کن، ولی خودت را در عبادت و طاعت خدای عزوجل بی تقصیر بدان؛ زیرا خداوند، چنان که شایسته است، پرستش نشود [14].»

در حکایتی نیز آمده است: مردی در بنی اسرائیل چهل سال خدا را عبادت، و سپس قربانی کرد، ولی از او پذیرفته نشد. با خود گفت: «فلانی! اعمال ناشایست تو سبب شد که خداوند قربانی ات را نپذیرد». در این هنگام آوایی از سوی خداوند شنید که: «ای مرد عابد، نکوهشی که از خود کردی و اعترافی که به تقصیر خود کردی، از عبادت چهل سال بهتر بود [15].»

بنابراین اقرار و اعتراف به تقصیر نزد خدا، می تواند قُرب به پروردگار را نیز به همراه داشته باشد؛ چنان چه معصوم (ع) این گونه اشاره فرمود: «اگر در پایان عمر، عملم موجب تقرب به تو را فراهم نساخت، من به وسیله اقرار به تقصیر، به تو نزدیک خواهم شد [16].»

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

لنر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست که در این بحر کرم غرق گناه آمده ایم

آبرو می رود ای ابر خطاپوش ببار که به دیوان عمل نامه سیاه آمده ایم

واگذاری امور به خداوند

«إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعَدُّ عَلَى بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ؛ معبود من! تدبیر امورم را آن گونه که شایسته توست، به انجام رسان و فضل خود را به گنهکاری که غریق امواج جهالت است، بازگردان.»

کار خود گر به خدا واگذاری حافظ ای بسا عیش که با بخت خدا داده کنی

علم آدمی بسیار ناچیز و اندک است، از این رو هرگز به طور جامع و کامل، به مصالح و مفاسد خویش آگاه نمی باشد. اگرچه او مأمور به سعی و تلاش و همت ورزی است و باید وظایفش را به درستی ادا کند، ولی آگاهی درست

از اینکه خیر و صلاح واقعی او چیست و چه مقامی و مکانی شایسته وقوف او و چه احوالی مناسب وجود اوست، از عهده وی خارج است. بنابراین مصلحت و خیر بنده در این است که امور زندگی خویش را به پروردگارش واگذار کند؛ آن گونه که حضرت سیدالشهداء(ع) واگذار کرده و در دعای عرفه فرمود: «إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي؛ معبود من! تدبیرت را جایگزین تدبیرم نما و بدین گونه بی نیازم کن و اختیار خودت را به جای اختیارم اعمال فرما.»

بنابراین سعادت واقعی بنده، در واگذاری تدبیر امور به پروردگارش است؛ زیرا او به خیر و صلاح بنده از همگان، آگاه تر است و جز خیرخواهی، اراده دیگری در حق بنده ندارد[17].

آن را که منم خرقة، عریان نشود هرگز وان را که منم چاره، بیچاره نخواهد شد

آن را که منم منصب، معزول کجا گردد آن خار که شد گوهر او خار نخواهد شد

آن قبله مشتاقان ویران نشود هرگز وان مصحف خاموشان سی پاره نخواهد شد

خداوند، ستار العیوب

«إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَى مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُئُوسِ الْأَشْهَادِ؛ معبود من! همانا گناهانم را در دنیا پوشانیدی و من به این پرده پوشی، در آخرت محتاج ترم. همانا در دنیا، حتی نزد بندگان شایسته ات نیز، گناهانم را فاش نکردی، پس در روز قیامت، نزد آن ها که شاهد می باشند، رسوایم مفرما.»

یکی از عنایت های خداوند مهربان در حق بندگان، موهبت پرده پوشی او از گناهان و زشتی های آنان است. در واقع هر انسانی، آبرو و عزت خویش در میان جامعه را مدیون پوشانده ماندن لغزش هایش از جانب خداوند کریم است. مهرورزی پروردگار در حق آدمیان، سبب شده تا آخرین حد ممکن، با پرده پوشی از معاصی او، عزت و اعتبار آن ها را در برابر دیگران حفظ کند. از جمله نکاتی که در دعا های اهل بیت(ع) مورد توجه آن ها بوده است، صفت «سِتَارِيَّتِ» خداوند است که به طور مکرر و بارها، پروردگار خود را به این صفت حمیده و زیبا ستوده اند: «أَيُّ رَبٍّ جَلَّلَنِي بِسِتْرِكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتَهُ وَ لَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهُ لَا أَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَ أَخَفُّ الْمُعْطَلِّينَ بَلْ لَاَنَّكَ يَا رَبَّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ؛ پروردگارا! کردار زشتم را در پرده دار. اگر بر گناهانم کسی غیر از تو آگاه می شد، آن را مرتکب نمی شدم و نیز اگر از تعجیل عقوبت می ترسیدم، باز هم از خطا اجتناب می کردم[18].»

این همه پرده که بر کرده ما می پوشی گر به تقصیر بگیری نگذاری دیار

خداوند، نه تنها زشتی ها را می پوشاند؛ بلکه به همان نسبت، زیبایی های دیگران را نیز آشکار می کند. در دعای جوشن کبیر می خوانیم: «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ؛ ای آن که زیبایی را آشکار می سازی و زشتی را می پوشانی.»

در تفسیر این عبارت از دعا، روایتی دل نشین از امام صادق(ع) نقل شده است: «هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در عرش، صورتی دارد شبیه به صورت او در زمین، پس هرگاه کارهای نیکی چون رکوع و سجود و دیگر افعال نیکو از او صادر شود، صورت این اعمال نیکویش در عرش ظاهر می شود و ملائکه آن را می بینند و بر او درود می فرستند و برایش استغفار می کنند، ولی اگر معصیتی از او سر زند، خداوند، حجابی بر آن می نهد تا ملائکه بر آن مطلع نگردند، و این است تأویل: "يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ"[19].»

پی نوشت:

- [1] بقره (۲) : ۱۸۶.
- [2] علی شریعتی، نیایش، صص ۳۳ و ۳۴.
- [3] صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۷.
- [4] مائده (۵) : ۳۵.
- [5] اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.
- [6] سید محمود طاهری، شرح مناجات شعبانیه، ص ۶.
- [7] یونس (۱۰) : ۳۱.
- [8] ذاریات (۵۱) : ۵۸.
- [9] نور (۲۴) : ۲۱.
- [10] علق (۹۶) : ۵.
- [11] نساء (۴) : ۱۱۳.

- [12]. شرح مناجات شعبانیه، ص ۲۵.
- [13]. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور، ج ۴، ص ۷.
- [14]. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۶.
- [15]. همان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.
- [16]. شرح مناجات شعبانیه، ص ۳۹ - ۴۲.
- [17]. همان، ص ۵۹.
- [18]. دعای ابوحمزه ثمالی.
- [19]. ملاهادی سبزواری، شرح جوشن کبیر، ص ۲۷۹ و ۲۸۰.